



۲۰۱۵/۰۸/ ۲۴



داکتر سيد خليل الله هاشميان

کچری قروت مطبوعاتی

(اول) پاکستان امریکا را احق ساخته:

دانشمند محترم لیوال صاحب در مقاله شان منتشره سایت وزین (تول افغانستان) این موضوع را بطور مستند و مستدل عنوان کرده اند. طرز دید دیگر اینست که امریکا هم ملیاردها دالر خود را مفت و رایگان به دریای سند در (اتک) نمی اندازد! چندی قبل به پرسش یک دوست در یک پیام خصوصی چیزهای نوشتیم که آنرا در اینجا مطرح میسازم: در خاطرات امیر دوست محمد خان درج است که وقتی در بمبئی اسیر بود، در آن هنگامیکه مجاهدین افغان مکناتن را کشته و سپاه انگلیس را در محاصره قرار داده بودند ، امیر ازین ماجرا هنوز خبر نداشت، یک جنرال انگلیس بدین امیر بمنزل او رفته او را مغزشویی میکرد. امیر به جنرال گفت - نمیدانم شما از افغانستان چه میخواهید- یک کشور مملو از کوه ها ، دشت ها و جنگلات و مردم غریب و فقیر که نان خوردن خود را ندارند؟ **جنرال انگلیس جواب داده بود که "امیر صاحب، ما مردم افغانستان را کار نداریم، ما جغرافیای افغانستان را کار داریم" ...**

انگلیس که هندوستان را ترک میداد، میخواست پایگاه و نفوذ دایمی در آن منطقه داشته باشد، لهذا پاکستان را تاسیس کرد، و این همان وقتی بود که بایست دولت افغانستان با وجود ناتوانائی هایش قیام ملی را براه می انداخت، اما سلطنت کابل تخت و چوکی خود را قایم گرفت و به تقاضای ملیگرایان افغان پاسخ منفی داد و پاکستان را بشمول سرزمین آبیای افغانها در خیبر و کوئته، برسمیت شناخت. در آنوقت هنوز پای امریکا درین منطقه دراز نشده بود و "جیکر" همه مسایل انگلیس بود. در ختم جنگ جهانی دوم، انگلیس با از دست دادن مستعمرات خود، و بالخصوص هندوستان، دیگر آن قدرت اقتصادی سابق نبود که خط دفاعی خود را بمقابل اتحاد شوروی تامین کرده بتواند، لهذا برای دفاع بمقابل شوروی پای امریکا را به این منطقه کشاند و امریکا را که در مقابل سیاست مداری انگلیس یک طفل نو آموز بود، از موجودیت افغانستان بحیث یک لقمه تیار شوروی و نفوذ کمونزم درم نطقه به تشویش انداخت - امریکا اول پکت بغداد را که ایران نیز شامل آن بود خط دفاعی خود قرارداد، اما انگلیس وصیت (پترکیبر) و رسیدن به آبهای گرم از طریق هندوستان را در افکار امریکا تزیق کرد و همان بود که امریکا (پکت سنتو) را بمقابل اتحاد شوروی بحیث خط دفاعی خود انتخاب کرد.

انگلیس دره های خیبر و بولان را به امریکائیا نشان داد و امریکارا مطمئن ساخت که یگانه خط دفاعی موثر بمقابل اتحاد شوروی در حفاظت پاکستان میسر است، و نه در غیر آن. از آن تاریخ بیعد امریکا خط دفاعی خود را بمقابل اتحاد شوروی در خاک پاکستان تشخیص داده که تا حال عین سیاست بطور مستحکم دوام دارد. دولت چین در آنزمان بمشکلات داخلی خود مصروف بود و پای چین در سیاست منطقه ما هنوز شامل نشده بود، بلکه "تازی" میدان امریکا بود.

امریکا از افغانستان دعوت کرد تا در پکت سنتو شامل شود، اما افغانستان نپذیرفت و به سیاست بیطرفی خود دوام داد. امریکا بعد از آن افغانستان را "لقمه تیار شوروی" دانسته و بحال خودش وا گذاشت، ولی بمنظور "حفظ ماتقدم" یکمقدار کم کمک اقتصادی میداد، آنهم بخاطر اینکه سفارت شان و اتباع شان در افغانستان حاضر و ناظر تحولات درین کشور باشند. در اسناد سیاسی امریکا که بعد از گذشت پنجاه سال دوماه پیش متن اصلی و ترجمه آن در پورتالها نشر شده، یک مامور بلند پایه سفارت امریکا در کابل بارتباط پیشنهاد تزئید کمکهای امریکا به افغانستان، ۵۰ سال قبل چیزهایی ازین قبیل گفته است: **"درخانه ایکه به دشمن ما تعلق دارد، چرا فرنیچر نو اندازیم..."** - بعبارت دیگر، امریکا هیچگاه و تا

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنېنت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليولو مخکي په خير و لولئ

امروز بفر فکر حفاظت افغانستان نه بمقابل شوروی سابق و روسیه کنونی بوده، و نه بمقابل تجاوزات ۱۳ ساله پاکستان که بطور تدریجی برای سقوط افغانستان کار میکند، ایستادگی کرده است!!!

بخاطر باید داشت که وقتی در سال ۲۰۰۰ آمریکا تصمیم اشغال نظامی افغانستان را گرفت، از پاکستان پایگاه هوایی تقاضا کرد. پاکستان برای آمریکا در بلوچستان پایگاه هوایی داد تا از آنجا و از آن طریق افغانستان را اشغال کند، و علاوه بر میلیاردها دالر نرده و اسلحه، چند تعهد سیاسی و نظامی نیز از آمریکا گرفت که یکی آن **"دوام دست و تصرف آزاد پاکستان در بین قبایل مختلف افغانستان"** و دیگرش این بود که **"امریکا افغانستان را مسلح نسازد"**. آمریکا همه تعهدات خود را بمقابل پاکستان تا امروز ایفا کرده است.

در مدت بیشتر از ۵۰ سالیکه آمریکا بحیث حافظ و حامی و متعهد بپاکستان در آن کشور باقی ماند، متفکرین و ستراتیژیست های امریکایی بارتباط نگهداشت پاکستان بحیث خط دفاعی خود، در ساختمان اجتماعی و سیاسی پاکستان نظر انداختند و ملتفت شدند که در دو جناح پاکستان دو قوم ناراض (پشتون و بلوچ) همیشه در حال قیام بوده است. تحقیق و مطالعات امریکاییها باین نتیجه رسید که این دو قوم موجب تجزیه پاکستان شده میتوانند. ستراتیژیست های امریکایی بخاطر جلوگیری از تجزیه احتمالی پاکستان باین فکر و پلان افتادند که چون افغانستان خط تمحیلی دیورند را برسمیت نمی شناسد و نهضت پشتونیزم در افغانستان رو به توسعه مییابد که خطر بیشتر نیست برای تجزیه پاکستان، لهذا به این فکر افتادند که افغانستان یا (۱) - به پاکستان ادغام شود و یا (۲) - افغانستان از پاکستان اداره شود. بالای تطبیق این سیاست تازمانی در پاکستان کار میشد که انفجار آزمایشی بم اتمی پاکستان رخ داد. درینوقت اسرائیل یخن آمریکا را قیام گرفت تا از دادن کمکهای میلیارد دالری و فکر ادغام افغانستان به پاکستان منصرف گردد. از آن بعد کمکهای آمریکا بپاکستان در حدود ۵۰ فیصد تقلیل یافت. پاکستان که درینوقت از دریافت اسلحه از آمریکا بی نیاز شده بود، بکمکهای اقتصادی آمریکا که آنهم ده ها میلیارد دالر بود اکتفا ورزید و از همیین کمکها موسسه بزرگ تروریزم اسلامی را در پاکستان تاسیس نمود.

انکشاف دیگری که در منطقه رخ داد، منازعه هندوستان و چین بالای مسایل سرحدی از یکطرف و منازعه هند و پاکستان بالای مسایل سرحدی از جانب دیگر بود، که در نتیجه آن پاکستان خود را به چین نزدیک ساخت و بعد از آن پای چین برای بار اول درسیاسیات این منطقه رونما گردید و بسرعت توسعه یافت. خط آهنی که چین از طریق پاکستان برای رسیدن به بحر هند میسازد، از خاک مردم پشتونستان عبور میکند.

امریکا تا امروز هم پاکستان را خط دفاعی خود بمقابل روسیه دانسته و افغانستان را برون خط دفاعی خود می شمارد و این دکترین درسیاست آمریکا تغییر نکرده که افغانستان باید توسط پاکستان اداره شود. آمریکا میلیاردها دالر به پاکستان میدهد و توسط همین کمک آمریکا تروریستهای تربیه شده پاکستان روزانه در حدود دوصد نفر افغان را در سرتاسر افغانستان شهید و زخمی میسازند. آمریکا که میداند طالبان را پاکستان ساخته و در تصرف خود دارد - مراکز طالبها و تعداد طالبها در پاکستان به آمریکا معلوم است، طالبها بداخل خاک پاکستان میتنگها و مجالس مشوره دایر میکنند، پاکستان را وطن و مرجع امن خود میدانند - از دولت پاکستان معاش و اسلحه مودرن دریافت میکنند - پاکستان رهبر جدید طالبها را انتخاب میکند و به دولت و مردم افغانستان می فهماند که اداره امور بدست اوست.

چرا آمریکا پاکستان را از چنین مداخلات و اعمال نفوذ واضح متوقف نمیسازد؟؟؟ بخاطریکه آمریکا تاکنون پاکستان را خط دفاعی خود بمقابل روسیه میداند، چنانچه پارسال همه سلاح نظامی خود را که در افغانستان داشت، از خاک افغانستان بیرون ساخته همه را مفت و رایگان بپاکستان بخشید، و این اهانت بزرگ را حکومت مزدور کرزی لیبیک گفت - از جانب دیگر آمریکا قبلا با پاکستان قبول کرده که اداره افغانستان از پاکستان صورت بگیرد، لهذا قبول مداخلات پاکستان در افغانستان جزء تعهدات آمریکا با پاکستان است!

امریکا بمنظور دوام همین سیاست خود و برای اغفال افغانستان سالانه چهار میلیارد دالر برای انتخاب عساکر افغانستان می پردازد و در عین زمان بدوام مداخلات خونین پاکستان در افغانستان چشم خود را پت کرده فقط یگان تسلیت و همدردی شفاهی به افغانستان ارسال میدارد. من باور ندارم که آمریکا یک میلیارد دالر کمک خود را بپاکستان قطع کرده باشد، بلکه شرط گذاشته که اگر شبکه حقانی تحت کنترل قرار نگیرد، کمک مذکور قطع خواهد کرد، و این فشار نیز در نتیجه عکس العمل های مردم و سنای آمریکا و نفرت و انزجار میدیای جهانی از تروریزم پاکستان تبارز کرده است.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

اما اکنون باید خاطر نشان سازم که ذهنیت مردم امریکا ومقامات کانگرس وسنای امریکا درمقابل سیاست پاکستان که خود رامرکز تولید تروریزم جهان شمول ساخته، یک کمی فرق کرده و فعالیت افغانهای مهاجر در امریکا بصد پاکستان، هکذا انزجار میدیای بین المللی، برای بوجود آوردن این تغییر ذهنیت، بسیار موثر ثابت شده است. من از موقف جدید آقای داکتر اشرف غنی بمقابل پاکستان حمایت و دعا میکنم این موقف پایدار بماند. من طرفدار مراجعه وتقذیم شکایت افغانستان به شورای امنیت ملل متحد میباشم، اما چنین بنظر میرسد که حکومت بی کفایت افغانستان تلویزیون طلوع را که بیول وهدایت ایران می چرخد مرکز تبلیغات خود قرارداده و بفکر تهیه و تدارک اسناد موثر و قابل قناعت شورای امنیت نبوده که در چنین وضع دست خالی به شورای امنیت رفتن، معنی دست خالی برآمدن و قبول کردن خجالت را دارد. حکومت افغانستان باید یک کتاب مصور تهیه میکرد و فهرست تمام موسسات تربیه تروریستی با نام وشهرت تربیه کنندگان وتصاویر آن موسسات ونام وموقعیت مکتبهای تروریستی در پاکستان را درین کتاب درج میکرد وهم تصاویر تلفات جانی ومالی وفزیک در افغانستان را درج میکرد که تا حال نکرده است - هکذا باید نماینده ای داشته باشد با صدای موثر و بسیار مسلط بزبان انگلیسی تا داکومننت خود را ورق بورق به اعضای شورای امنیت نشان داده بتواند وبسوالات آنها جوابهای قناعت بخش ارائه بتواند. وزیر خارجه فعلی این کفایت راندارد - ظاهرترین اگرچه پرچمی بود، ولی این کفایت را داشت، اما او با شناخت بی کفایتی وزیر خارجه کابل از وظیفه خود مستعفی و بماموریت ملل متحد شامل شده است.

این پیشگویی مرا در نظر داشته باشید که امریکا طرفدار مراجعه افغانستان بشورای امنیت نیست و از تمام قدرت ونفوذ خود برای جلوگیری از آن اقدام خواهد کرد. امریکا حکومت دو قطبی کابل را به انصراف از تصمیم شکایت بشورای امنیت متقاعد خواهد ساخت و آقای کیری با طرح یک فورمول جدید وعده خواهد داد که خودش معضله راحل خواهد ساخت. خداکند پیشگویی من غلط ثابت شود وحکومت کابل این جرات را پیدا کند که شکایت مردم افغانستان را با وجود مخالفت امریکا به شورای امنیت تقدیم کند که اگر اینکار صورت بگیرد، تاثیر فوق العاده مثبت خواهد داشت. و من الله التوفیق

دوم (تبلیغات شدید تلویزیون طلوع برای چاپ تذکره تابعیت

در چهارروز گذشته تلویزیون طلوع هر روز در هر برنامه خود یک نفر پُر کرده را برای مصاحبه پیرامون تقاضای سرعت برای طبع تذکره تابعیت دعوت میکند. اشخاص دعوت شده که قبلا مغز آرائی شده اند، از اول تا اخر صحبت بسوالات آرسته شده نطق طلوع جواب مثبت میدهند و بدون توضیح مشکلی که در زمینه پدید آمده، اصرار میورزند که تذکره های الکترونیکی باید فوری و بدون وقفه چاپ و توزیع شوند. ما هم طرفدار چاپ و توزیع سریع تذکره های الکترونیکی استیم، اما هدف از چاپ تذکره ها باید توزیع آن به مردم باشد، نه اینکه تذکره ها بمصرف گزاف چاپ وبعداً در کدامها پوسیده شوند، زیرا تاکنون مردم ولایات مختلف کشور که نمایندگی از بیشتر از ۵۰ فیصد نفوس کشور میکنند، اعلام کرده اند که به دو علت تذکره های الکترونیکی را نمیگیرند، یکی اینکه کلمه (افغان) در آن وجود ندارد، دیگر اینکه ستون "دین" از تذکره برداشته شده وامکان نوشتن نام مبارک "اسلام" در تذکره وجود ندارد. تصادفا دوست محترمی دو روز قبل درین باره از من طالب توضیحات شد وهمان توضیحاتی را که بحضور آن دوست تقدیم کردم، با اغتنام فرصت درین مقاله نیز درج میکنم :

(۱) کلمه (افغان) جزء مهم نام نامی افغانستان را تشکیل میدهد. نام افغانستان از لحاظ ساختمان لغوی متشکل از دو جزء است : یکی (افغان) که اسم خاص و معرفه است، دیگری (ستان) بمعنی ولایت که یک کلمه قدیم زبان فارسی واسم مکان است ویا نام کشورها بحیث پسوند مکان استعمال میشود(مثلا هندوستان، افغانستان، انگلستان، عربستان وغیره - نام هندوستان اقلا ۵۰۰ سال قبل از نام افغانستان وجود داشته است)- لهذا هرگاه نام و کلمه (افغان) که معرفه است، از نام (افغانستان) برداشته شود، آنچه باقی میماند پسوند/ - ستان/ است بمعنی ولایت. علاوه برین همه اقوام افغانستان از قرنهای باینطرف نام (افغان) را بحیث معرفه استعمال کرده وخود را افغان خوانده اند. بنابراین اکثریت مردم افغانستان تقاضا دارند کلمه ونام (افغان) باید در تذکره تابعیت افغانستان درج وشامل باشد.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

۲) ستون دین و نام مبارک اسلام: در تذکره های سابق یک ستون بنام (دین) وجود داشت که مالک تذکره نام دین خود را در آن مینوشت (اسلام، هندو، یهودی - ما دواقلیت مذهبی در افغانستان داشتیم و هنوز هم داریم) - اما در ۱۳ سال اخیر در نتیجه اشغال افغانستان، کلیساهای مسیحی در اروپا و امریکا نمایندگان خود را به افغانستان فرستادند که در نتیجه آن اکنون شاید در حدود ده هزار افغان مسیحی در افغانستان داشته باشیم. چند کشور مسیحی بشمول امریکا که در پروژه تذکره الکترونیکی کمک مالی کرده اند، از دولت افغانستان (بشمول طرفداران خود در مجالس شورا و سنا) تقاضا کردند تا ستون (دین) از تذکره افغانستان برداشته شود. آنها استدلال کردند که هرگاه کلمه (دین) در تذکره باشد، افغان مسیحی باید دین خود را که مسیحیت است در تذکره داخل کند و در بنصورت حیات او مورد خطر قرار میگیرد، و اگر دروغ بگوید و دین خود را (اسلام) معرفی کند، در نزد همکیشان و کلیسای خود دروغگو و خاین معرفی میشود. مسیحیان بسیار پول مصرف کردند و (دین) را جنبه شخصی داده تقاضا کردند تا ستون دین از تذکره برداشته شود. اکنون مردم افغانستان که ۹۹.۹ فیصد الحمدلله مسلمان استند به اهمیت ستون دین در تذکره متوجه شده و تقاضا دارند تا ستون دین در تذکره تابعیت داخل شود تا آنها نام مبارک اسلام را با افتخار در تذکره خود درج کنند، و البته اقلیت هندو و اقلیت مسیحی نیز میتوانند (دین) خود را در تذکره درج کنند. مردم میگویند چرا خطری برای مسیحیان افغان وجود داشته باشد، در صورتیکه هندوان افغان آزادانه در افغانستان زیست کرده و با فرهنگ افغانستان انطباق کرده اند؛ چنانچه یک نماینده هندو، یک خانم دانشمند و خیر خواه بحیث سناتور در سنای امریکا و امیداست نمایندگان هندو در ولسی جرگه افغانستان نیز راه یابند. مردم میگویند بخاطر موجودیت ۱۰ هزار مسیحی در افغانستان ماهیت تاریخی تذکره افغانستان را تغییر دادن، مثل آنست که "بخاطر یک شبش پوستین را در دهند". این بود تفصیل و توضیحات این موضوع که امیداست مورد توجه دولتمندان افغان قرار گیرد و به تقاضای معقول مردم گوش و تن دهند. در غیر آن تذکره که باید بمردم توزیع شود، اگر تذکره بهمین شکل طبع شود، شاید ۴۰ فیصد مردم افغانستان این تذکره را قبول کنند، اما ۶۰ فیصد مردم بدون تذکره میمانند و تذکره ها در گداهها پوسیده خواهد شد و شاید در آینده تذکره جدیدی بقیمت گراف دوباره ساخته شود.

من عنوان این مقاله را "کچری قروت مطبوعاتی" گذاشتم: امیدوارم ماده اول را "کچری" و ماده دوم را "قروت" پنداشته، متباقی را به "مطبوعات" بسپارید. با عرض احترام .

سیدخلیل الله هاشمیان - ۲۴ اگست ۲۰۱۵
مدیرمسئول مجله آئینه افغانستان از ۱۹۸۸ تا امروز

ماخذ : ماخذ ماده اول همه در آرشیف مجله (آئینه افغانستان) وجود دارد، اما پالیدن و دستیاب کردن آنها یکهفته را دربرمیگیرد. شالوده همه مسایل فوق در دماغ من وجود داشته و اکثر وقایع متذکره از زیر چشم من گذشته اند.

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ